

مطالعه تطبیقی خشونت خانگی از منظر فقه و جرم‌شناسی

دکتر یعقوب‌علی برجی، دانشیار هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه و رئیس مدرسه عالی فقه تخصصی

محمد فتحی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

خشونت خانگی به‌عنوان شایع‌ترین خشونت علیه زنان، هر نوع اقدام خشونت‌آمیز جنسیتی است که به آسیب بدنی، جنسی، روانی و یا افزایش احتمال بروز آن در زنان منجر می‌شود، یا اقداماتی است که برای زنان رنج‌آور است و یا به محرومیت اجباری از آزادی‌های فردی یا اجتماعی منجر می‌شود. اگرچه این نوع خشونت‌ها معمولاً در حریم خانواده رخ می‌دهند، اما زندگی زنان را در همه عرصه‌های عمومی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو به پیامدهای تخریب‌کننده در درون خانواده و جامعه منجر شده و همچنین مانع پیشرفت اقتصادی-اجتماعی زنان می‌شود. لذا خشونت خانگی به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی جوامع معاصر، پیامدهای ناگواری بر ساختار خانواده و جامعه دارد. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی خشونت خانگی از دو منظر فقه اسلامی و جرم‌شناسی انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد معتبر صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه اسلامی با تأکید بر کرامت انسانی و حفظ حقوق خانواده، هرگونه خشونت را نفی می‌کند و راهکارهای پیشگیرانه‌ای ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، جرم‌شناسی با رویکردی علمی به بررسی علل، آثار و راهکارهای مقابله با خشونت خانگی می‌پردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تلفیق دیدگاه‌های فقهی و جرم‌شناختی می‌تواند به ارائه راهکارهای مؤثرتری در پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی منجر شود.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، فقه اسلامی، جرم‌شناسی، حقوق خانواده، پیشگیری از جرم، کرامت انسانی

درآمد

یکی از مسائل و آسیب‌های مهم در حوزه خانواده، خشونت خانگی است که هم ابعاد فردی و خانوادگی دارد، هم در سطح کلان مسائل اجتماعی و جامعه تأثیرگذار است. خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش حیاتی در شکل‌گیری شخصیت افراد و سلامت جامعه ایفا می‌کند. با این حال، پدیده خشونت خانگی به‌عنوان یکی از آسیب‌های جدی، کارکردهای این نهاد مقدس را تهدید می‌کند. امروزه خشونت خانگی به معضلی جهانی تبدیل شده و صرف‌نظر از سطح توسعه‌یافتگی کشورها، در تمامی جوامع مشاهده می‌شود. **نهاد خانواده زمانی می‌تواند کارکرد خویش را به‌درستی انجام دهد که دچار نابسامانی و آشفته‌گی نباشد؛ بنابراین خشونت که از جمله**

عوامل تأثیرگذار بر سلامت و امنیت خانواده است این نهاد را به شدت تهدید می‌کند. یکی از بارزترین مصادیق خشونت خانگی، خشونت علیه زنان در نهاد خانواده است.

خشونت خانگی علیه زنان به منطقه خاص جغرافیایی و یا سطح معینی از اقتصاد و رفاه بستگی ندارد و می‌توان آن را در همه جوامع و لایه‌های اجتماعی مشاهده کرد. نهاد خانواده زمانی می‌تواند کارکرد خویش را به درستی انجام دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد؛ بنابراین خشونت که از جمله عوامل تأثیرگذار بر سلامت و امنیت خانواده است این نهاد را تهدید می‌کند. مسئله رفتار با زنان در داخل خانه و خانواده که زمانی امری خصوصی محسوب می‌شد امروزه دیگر در حیطه مسائل مهم حقوق بشری وارد و از قلمرو حقوق همسران و مردان خارج شده است. همچنین مورد توجه و حساسیت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی و سازمان‌های تخصصی مرتبط قرار گرفته است (نجفی توانا، ۱۴۰۲: ۲۲۷). لازم به توضیح است که اعمال خشونت علیه زنان فقط این گروه را قربانی نمی‌کند، بلکه کودکان هم از این وضعیت تأثیر می‌پذیرند. کودکانی که شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز در خانواده هستند، به‌خصوص بعد از دوران طفولیت و سال‌های قبل از بلوغ، اثرات بسیار منفی بر آنان باقی خواهد ماند و در سنین بالاتر حس حسادت، خصومت و خشونت نسبت به دیگران در آنان تقویت خواهد شد (نجفی توانا، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

سازمان عفو بین‌الملل که یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر به شمار می‌رود به‌صراحت بیان کرده است که حقوق زنان، حقوق بشر است و نقض حقوق زنان، نقض حقوق بشر خواهد بود (ره کشایی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی پدیده خشونت خانگی از دو منظر فقه اسلامی و جرم‌شناسی، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی و یافته‌های علم جرم‌شناسی، راهکارهای مؤثری برای پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی ارائه داد.

۱- مفهوم شناسی و انواع خشونت خانگی

با توجه به کثرت استفاده از واژه خشونت در ادبیات روزمره مردم، ممکن است چنین به نظر برسد که ارائه تعریفی از خشونت امری زائد است و چه‌بسا گفته شود مفهوم خشونت، بیش از آن بدیهی است که نیاز به تعریف داشته باشد، اما واقعیت امر غیر از این است. مفهوم خشونت برخلاف تصور فوق، آن‌چنان مبهم و نامشخص است که تا به حال تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است و تنها به ذکر مصادیقی از آن اکتفا شده است. آنچه ارائه تعریف خشونت را با مشکل بیشتری مواجه می‌سازد این است که مفهوم خشونت علاوه بر آنکه بسیار مبهم است، کاملاً نسبی است و متناسب با زمان و مکان و موقعیت می‌تواند تغییر ماهیت و معنی بدهد.

۱-۱- تعریف خشونت خانگی

واژه خشونت خانگی در لغت فارسی، به معنای درشتی، زبری و در مقابل نرمی آمده است و از مصادیق تندخویی، خشم و غضب، درشتی کردن و ... نام برده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷).

خشونت خانگی به اعمال خشونت‌آمیز علیه اعضای خانواده، به‌ویژه زنان و کودکان، اطلاق می‌شود. در فقه امامیه، این پدیده به‌عنوان نقض حقوق زوجین و خانواده تلقی شده و احکام آن بر پایه رعایت عدالت و اخلاق اسلامی تعیین می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷). خشونت در صورت‌های پیشا مدرن کاملاً ماهیت فیزیکی داشته است؛ بنابراین از جنبه نمایشی بسیار قوی بهره می‌برده است، ولی خشونت مدرن ماهیت تکنولوژیک به خود گرفته و اجرای آن هم در حوزه روان‌شناسی و هم در حوزه فیزیکی ممکن است. فرهنگ حقوق «Black» خشونت را «استفاده ناب‌جا، غیرقانونی و تعرض‌آمیز از قدرت» تعریف می‌کند. از لحاظ لغوی خشونت را «شدت عمل و به‌کارگیری ابزارهای ایذایی و تنبیهی» تعریف کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی و حبیب زاده، ۳:۱۳۸۳/۲). در روان‌شناسی پدیده خشونت خانگی به‌عنوان یک اختلال رفتاری ناشی از عوامل اجتماعی و روانی شناخته می‌شود (کریمی، ۱۳۹۶).

خشونت خانگی شامل هر نوع آزار و تهدید جسمی، آزار و تهدید روانی، خشونت‌های مالی، خشونت‌های رفتاری و گفتاری می‌شود که معمولاً در محیط خصوصی خانه، بین افرادی که باهم رابطه سببی و نسبی دارند اتفاق می‌افتد. به طور کلی می‌توان گفت که خشونت خانگی سوءاستفاده از قدرت و ایجاد کنترل بر روی فرد دیگری است که با خشونت‌گر رابطه نزدیکی دارد و در زیر یک سقف زندگی می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۳: ۱۴).

۱-۲- انواع خشونت خانگی از دیدگاه جرم‌شناسی

۱-۲-۱- خشونت جسمانی

خشونت جسمانی شامل هرگونه خشونت فیزیکی است که تمامیت جسمانی فرد را به مخاطره می‌اندازد و شامل مصادیق ذیل است: فشار دادن، هل دادن، کشیدن موها، با دست و یا شیئی در دست ضربه وارد کردن، ایراد ضربه شدید (کتک زدن)، لگدزدن، سوزاندن، گاز گرفتن، گرفتن گلو (خفه کردن)، سوراخ کردن (چاقو کشیدن)، قطع اندام‌های جنسی، شکنجه دادن، قتل عمدی یا هرگونه ناراحتی و سختی که از صدمات ناشی از آسیب‌های وارده بر کوچک‌ترین بافت‌ها، شکستن دندان‌ها و استخوان‌ها تا آسیب‌های دائمی و مرگ حاصل می‌شود (نک: آراین و دیگران، ۱۳۷۵: ۱-۹۰).

۱-۲-۲- خشونت روانی

هر نوع رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه سازد و مصادیق آن عبارت‌اند از: انتقاد ناروا و مداوم، تهدید به ازدواج مجدد، تهدید به طلاق، حسادت بیمارگونه، محدود کردن آزادی رفتار و حرکات، اجبار به کارهای خلاف طبع، تخریب دارایی‌های زن و فرزندان، عدم احساس امنیت، سرزنش کردن، مسخره کردن، ارائه نظریات مغرضانه یا تحقیرکننده، تهدیدات، جداسازی، اهانت، زبردست آزاری، رفتارهایی که اعتقادات فرهنگی یا مذهبی زنان را مورد استهزاء قرار می‌دهد، تنبیه کردن و یا مجبور کردن آنان به پذیرش سیستم عقیدتی دیگر، فحش دادن، توهین کردن و به‌طور عمومی این نوع رفتارها معمولاً برای آسیب رساندن بر خودباوری و اعتماد به نفس استفاده می‌شود، خصوصاً اگر دائمی باشد (جوان مرد، ۱۳۹۰: ۸).

۱-۲-۳- خشونت جنسی

خشونت جنسی هرگونه رفتار غیراجتماعی است که از لمس کردن تا تجاوز را دربر می‌گیرد. به عبارتی به هر نوع رفتار خشن جنسی یک فرد نسبت به فرد دیگر علی‌رغم مخالفت وی اطلاق می‌شود و می‌تواند بانگیزه تهدید، سوءاستفاده، صدمه و آسیب جنسی انجام پذیرد. رابطه جنسی اجباری پس از ازدواج، تجاوز جنسی، تن‌فروشی اجباری، ازدواج‌های زودهنگام، ختنه زنان، تست باکرگی، اجبار برقراری رابطه جنسی در ایام عادت ماهیانه و مواقع مریضی، توقعات غیرمتعارف در هنگام سکس، حاملگی اجباری و... تمام اعمالی را که بدن زن و نحوه استفاده زن از بدنش را تحت کنترل قرار می‌دهند می‌توان از مصادیق خشونت جنسی دانست (همان).

۱-۲-۴- خشونت اقتصادی

خشونت اقتصادی هر نوع رفتار خشنی است که از روی قصد و نیت، زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد و دارایی تحت فشار و آزار قرار دهد؛ مصادیق آن عبارت‌اند از: عدم پرداخت نفقه، بخیل بودن، دریافت اجباری حقوق زن، دریافت اجباری ارثیه زن، کنترل وسواس گونه مخارج زن، کنترل کردن ناعادلانه مبنی بر دسترسی به منابع قابل تقسیم، برای نمونه روا نداشتن یا کنترل کردن دستیابی به پول خانگی، جلوگیری از دسترسی یافتن شریک زندگی به استخدام یا تحصیلات بیشتر یا جلوگیری اهل خانه از دسترسی یافتن همسر به حق مالکیت خود (قادری، ۱۴۰۰: ۲۵).

۱-۲-۵- خشونت عاطفی

مراد از خشونت عاطفی یا روانی علیه زنان هرگونه رفتار و گفتار خشونت‌آمیز است که شخصیت آنان را خدشه‌دار کند و حیثیت، آبرو، شرافت و اعتماد به نفس زن را از بین ببرد. هرچند خشونت روانی به تناسب فرهنگ و آداب‌ورسوم هر جامعه وسعتی متغیر دارد، اما غالباً به شکل خشونت کلامی بروز پیدا می‌کند. با وجود این، این قسم از خشونت به صورت اشکال گوناگون بر زنان تحمیل می‌شود: دادو فریاد و رسیدن اختلافات به گوش

همسایه‌ها و اطرافیان، تمسخر در جمع خانوادگی و دوستان یا در مکان‌های عمومی، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری زن، تهدید قربانی به استفاده از انواع دیگر خشونت، تحقیر از طریق انتقاد و سرزنش خانواده و دوستان زن، تهدید به طلاق یا ازدواج مجدد، مقایسه همسر، ایرادگیری از خانه‌داری و اصول تربیتی همسر، بی‌اعتنایی و منت‌گذاری در قبال انجام وظایف شرعی و قانونی، بدگمانی و بی‌اعتمادی، منع از اشتغال، تهدید به آزار و اذیت و یا کشتن همسر و فرزندان، انتساب القاب ناپسند و قهر طولانی مدت. البته این موارد فقط نمونه‌های تکراری و رایج خشونت عاطفی علیه زنان در خانواده است که در گذر زمان آشکار شده‌اند و این در حالی است که روز به روز بر گستره این مصادیق افزوده می‌شود (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

۱-۲-۶- خشونت قانونی و خشونت مقنن

مقصود از خشونت مقنن (که شاید بتوان با اندکی تسامح آن را خشونت قانونی خواند) خشونت است که قانون‌گذار به واسطه فعل یا ترک فعل خویش بر کل جامعه یا قشر یا اقشار خاصی از جامعه وارد می‌کند، مقصود از فعل مقنن، تصویب مقررات قانونی و مقصود از ترک فعل مقنن، عدم تصویب مقررات قانونی است (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۰). در این نوع از خشونت مقنن مقرراتی را تصویب می‌کند که به ضرر زنان یا عضو ضعیف خانواده بوده و یا از تصویب قوانین لازم در حمایت از آنان خودداری می‌کند.

۲- دیدگاه فقه اسلامی درباره خشونت خانگی

فقه اسلامی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین (ع)، اصل را بر مودت و رحمت در روابط خانوادگی قرار داده است. خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره روم، یکی از نشانه‌های خود را ایجاد مودت و رحمت میان زوجین می‌داند. فقهای اسلام با استناد به منابع دینی، هرگونه خشونت و آزار در محیط خانواده را مذموم دانسته و بر حفظ کرامت انسانی تأکید می‌کنند.

فقه امامیه بر حفظ کرامت انسانی و رعایت عدالت تأکید دارد. به طوری که هرگونه رفتار خشونت‌آمیز، به‌ویژه در چهارچوب خانواده، خلاف آموزه‌های قرآنی و روایی محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸). به‌عنوان مثال، آیه ۱۹ سوره نساء، مردان را به رفتار نیکو با زنان تشویق می‌کند. همچنین، فقه بر نقش میانجیگری و تربیت اخلاقی در کاهش خشونت خانگی تأکید دارد (شهیدی، ۱۳۹۳). در ادامه مبانی فقهی خشونت خانگی را بیان می‌کنیم.

۲-۱- بررسی آیات و روایات مرتبط با خشونت خانگی

فقه اسلامی به‌عنوان شاخه‌ای از علوم دینی مبنای خود را بر قرآن و سنت قرار داده است. یکی از آیات مهم درباره خشونت خانگی، آیه ۳۴ سوره نساء است که در آن به وظایف مردان در قبال زنان و خانواده پرداخته شده

است: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله على بعض...». این آیه ضمن تأکید بر مسئولیت مردان، ظلم یا تعدی نسبت به حقوق زنان را نفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز به لزوم رعایت عدالت و محبت در خانواده تأکید دارند. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص فرموده‌اند: «بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش خوش‌رفتارتر باشد» (کلینی، ۱۳۶۵). چنین بیاناتی نشان می‌دهند که خشونت خانگی مغایر با اصول اسلامی است و هیچ‌گونه توجیه شرعی ندارد.

۲-۲- نقش عدالت و رأفت در زندگی خانوادگی از منظر فقه

فقه اسلامی بر پایه دو اصل عدالت و رأفت بنا شده است. عدالت در خانواده به معنای رعایت حقوق همه اعضای خانواده است و در آیات متعددی مانند آیه ۵۸ سوره نساء بر اهمیت آن تأکید شده است: «ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها...». رأفت نیز به‌عنوان اصل دیگری، همواره مورد توجه بوده است؛ در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «المراه ریحانه و لیست بقهرمانه» که تأکیدی است بر لطافت و جایگاه ویژه زن در خانواده (مطهری، ۱۳۷۵).

۳- حکم فقهی خشونت خانگی

۳-۱- جایگاه مرد و زن در خانواده از دیدگاه اسلام

در فقه اسلامی، مرد به‌عنوان مدیر خانواده مسئول تأمین نیازهای اقتصادی و امنیت خانواده است، درحالی‌که زن به‌عنوان شریک زندگی وظایفی در چهارچوب تربیت فرزندان و ایجاد فضای آرامش‌بخش دارد. این تقسیم وظایف نباید به خشونت و تحکم تبدیل شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶). فقه تأکید دارد که هرگونه اعمال قدرت بدون رعایت عدالت، نه‌تنها حرام، بلکه مخالف روح زندگی اسلامی است و چنانچه استمرار یابد باعث تضعیف بنیان خانواده شده و از هم پاشیدن نهاد خانواده را به دنبال خواهد داشت.

۳-۲- برخورد فقه با خشونت مرد علیه زن و بالعکس

از نظر فقهی، هرگونه خشونت علیه زن، مانند ضرب و شتم، توهین یا محدودیت‌های غیرمنطقی، محکوم است و در صورت بروز، زن حق مراجعه به قاضی برای مطالبه حق خود را دارد. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله بیان فرموده‌اند: «در صورتی‌که مرد از حد شرعی تجاوز کند، زن حق دارد به دادگاه مراجعه کرده و درخواست رفع ظلم کند» (خمینی، ۱۴۰۰). البته باید توجه داشت که فقه تنها خشونت مرد علیه زن یا سایر اعضای خانواده را مضموم ندانسته و برخورد فقه در مقابله با خشونت فرا جنسی است.

یکی از حقوقدانان در این زمینه بیان داشته است: «اگر زن به مرد یا سایر اعضای خانواده توهین یا اعمال خشونت کند، مرد نیز می‌تواند برای احقاق حق خود اقدام کند. در این موارد فقه اسلامی از میانجیگری و نصیحت برای حل مشکلات استفاده می‌کند» (مظفری، ۱۳۹۳).

۴- رویکرد جرم‌شناختی به خشونت خانگی

جرم‌شناسی به‌عنوان علمی میان‌رشته‌ای، با بهره‌گیری از یافته‌های علوم مختلف مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق، به بررسی علل وقوع خشونت خانگی می‌پردازد.

از دیدگاه روان‌شناسی، خشونت خانگی هرگونه رفتار پرخاشگرانه، آسیب‌زا یا کنترل‌گرانه‌ای است که یکی از اعضای خانواده بر دیگری تحمیل می‌کند. این رفتارها می‌تواند شامل حملات جسمی، تهدیدهای روانی یا محدودیت‌های اجتماعی باشد (بارکلی، ۱۳۹۵). در علم حقوق خشونت خانگی، به اقداماتی گفته می‌شود که یکی از اعضای خانواده (همسر، والدین یا فرزندان) برای آسیب یا کنترل دیگری انجام می‌دهد. قانون مدنی و قانون حمایت خانواده در ایران مواردی مانند پرداخت نکردن نفقه، محدودیت‌های اجتماعی و استفاده از زور علیه همسر یا فرزند را از مصادیق خشونت خانگی قلمداد کرده و برای آن مجازات‌هایی در نظر گرفته است (مظفری، ۱۳۹۳).

نظریه‌های جرم‌شناختی، عوامل متعددی را در بروز خشونت خانگی دخیل می‌دانند، از جمله:

الف - عوامل فردی (اختلالات شخصیتی)

اختلالات روانی یکی از عوامل کلیدی خشونت خانگی هستند. افرادی که دچار اختلالات روانی نظیر اختلال شخصیت ضداجتماعی، اختلالات اضطرابی یا افسردگی هستند، بیشتر در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که دچار اختلالات کنترل خشم هستند، در مدیریت هیجانات خود ناکارآمد عمل می‌کنند و این امر می‌تواند زمینه‌ساز خشونت خانگی شود (ملایری و سایرین، ۱۴۰۳: ۲۹۲).

ب - استرس و فشارهای روانی

فشارهای روانی ناشی از مسائل اقتصادی، مشکلات شغلی یا تنش‌های زندگی روزمره نیز می‌توانند زمینه‌ساز خشونت خانگی باشند. روان‌شناسان معتقدند که استرس بیش‌ازحد، توانایی حل مسئله را کاهش داده و احتمال رفتارهای پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد. در این زمینه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استرس‌های مالی، یکی از رایج‌ترین علل در بروز خشونت علیه همسران است (همان، ۲۹۲).

ج - عوامل اجتماعی

محیط اجتماعی نیز نقش مهمی در بروز خشونت خانگی ایفا می‌کند. افرادی که در محیط‌های اجتماعی پرتنش یا محیط خانوادگی خشونت‌آمیز بزرگ‌شده‌اند، به احتمال زیاد به رفتارهای خشونت‌آمیز روی می‌آورند. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا نیز این موضوع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که افراد از طریق مشاهده رفتارهای خشونت‌آمیز در دیگران، این رفتارها را یاد می‌گیرند و تکرار می‌کنند (همان).

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- راهکارهای فقهی در مقابله با خشونت خانگی

۵-۱-۱- نقش حکم‌های تربیتی

فقه اسلامی بر آموزش و تربیت به‌عنوان ابزاری کارآمد برای پیشگیری از خشونت تأکید دارد. حضرت علی (ع) در خصوص اهمیت آموزش و پرورش فرموده‌اند: «قلب کودک مانند زمین خالی است؛ هر چه در آن بکاری، می‌پذیرد» (کلینی، ۱۳۶۵). بر همین اساس، خانواده‌ها تشویق می‌شوند که ارزش‌های اخلاقی و محبت را از سنین کودکی در بین اعضای خانواده نهادینه کنند.

۵-۱-۲- قضاوت و میانجیگری در فقه

فقه اسلامی به حل اختلافات خانوادگی از طریق قضاوت عادلانه و میانجیگری اهمیت زیادی می‌دهد. آیه ۳۵ سوره نساء در این خصوص می‌فرماید: «وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها...». این آیه تأکید می‌کند که در صورت بروز اختلافات جدی، باید میانجیگری از سوی افراد امین دو طرف صورت گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

۵-۱-۳- تشویق به مشورت و همدلی

در آموزه‌های فقهی، مشورت و همدلی به‌عنوان راهکارهای پیشگیرانه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص فرموده‌اند: «المومنون کالجسد الواحد...». این اصل در خانواده نیز کاربرد دارد و مشورت به‌عنوان ابزار حل مشکلات معرفی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۵).

از دیگر راهکارهای فقه اسلامی در مقابله با خشونت خانگی می‌توان به مصادیق زیر اشاره نمود:

۱. تأکید بر اصل کرامت انسانی و حرمت آزار دیگران

۲. ارائه الگوی رفتاری مبتنی بر احترام متقابل

۳. تبیین حقوق و تکالیف متقابل اعضای خانواده

۴. تأکید بر نقش تربیتی والدین و مسئولیت آنها

۵-۲- راهکارهای جرم‌شناختی در مقابله با خشونت خانگی

۵-۲-۱- آموزش مهارت‌های ارتباطی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای جرم‌شناسی و روانشناسی برای پیشگیری از خشونت خانگی، آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین است. این مهارت‌ها شامل توانایی گوش دادن، مدیریت خشم و حل تعارضات است. مطالعات نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی مرتبط با بهبود ارتباطات خانوادگی می‌توانند بروز خشونت را به طور قابل توجهی کاهش دهند (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۷).

۵-۲-۲- مشاوره خانوادگی

مشاوره خانوادگی نقش مهمی در کاهش خشونت خانگی دارد. مشاوران با کمک به خانواده‌ها در شناسایی مشکلات و ارائه راه‌حل‌های علمی، می‌توانند به بهبود روابط خانوادگی و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز کمک کنند. مشاوره خانوادگی به‌ویژه در مواردی که خشونت نتیجه سوءتفاهم‌ها یا تنش‌های موقتی است، بسیار مؤثر است (ملایری و سایرین، ۱۴۰۳: ۲۹۴).

۵-۲-۳- روان‌درمانی

روان‌درمانی به‌ویژه برای افرادی که دچار اختلالات روانی یا مشکلات عمیق شخصیتی هستند، ضروری است. روان‌درمانی فردی یا گروهی می‌تواند به افراد کمک کند تا الگوهای رفتاری مخرب را شناسایی کرده و آنها را تغییر دهند. درمان‌های مبتنی بر شناخت-رفتار (CBT) از جمله روش‌های مؤثر در این زمینه است (همان، ۲۹۴).

از دیگر راهکارهای جرم‌شناسی در مقابله با خشونت خانگی می‌توان به مصادیق زیر اشاره نمود:

۱. شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی موقعیت‌های خشونت‌زا؛

۲. حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از خانواده‌های آسیب‌پذیر؛

۳. تدوین قوانین حمایتی و اجرای مؤثر آنها.

۶- نقاط اشتراک دیدگاه فقهی و جرم‌شناختی

۶-۱- نقش ساختاری در اصلاح رفتار

هم فقه اسلامی و هم جرم‌شناسی، اصلاح رفتار انسان‌ها را هدف اصلی خود قرار داده‌اند. در فقه، این اصلاح از طریق تعلیم احکام و قوانین شرعی صورت می‌گیرد که مبتنی بر حفظ تعادل اخلاقی و اجتماعی است (مطهری، ۱۳۹۸). در جرم‌شناسی نیز با عنایت به اینکه علمی میان‌رشته‌ای است، با استفاده از تئوری‌های جرم‌شناسی، رفتارشناسی و جامعه‌شناسی و یافته‌های علم حقوق تلاش می‌شود تا رفتار و عملکرد افراد در جهت مطلوب هدایت شود.

۶-۲- اهمیت کرامت انسانی

هر دو رشته به حفظ کرامت انسانی تأکید داشته و احترام به شخصیت انسان‌ها را حتی در اقدامات کنش‌گرانه به رفتار انسان‌ها در اولویت قرار می‌دهند. از منظر فقه اسلامی، انسان موجودی مختار و شایسته تکریم الهی است و خشونت خانگی به دلیل تعرض به این کرامت، محکوم است (جوادی آملی، ۱۳۸۷). در جرم‌شناسی نیز احترام به شخصیت افراد و جلوگیری از تخریب روانی قربانیان خشونت، مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد و جرم‌شناسان اعتقاد دارند حفظ کرامت انسانی قربانیان خشونت و مرتکبین بزه، باعث باز اصلاح‌پذیری افراد شده و رشد افراد را در جامعه به دنبال خواهد داشت.

۶-۳- نقش میانجیگری

فقه و جرم‌شناسی هر دو میانجیگری را به‌عنوان راهی برای کاهش تنش‌های خانوادگی توصیه می‌کنند. در فقه اسلامی، نقش قاضی یا بزرگان خانواده برای حل و فصل اختلافات خانوادگی اهمیت زیادی دارد (کلینی، ۱۳۷۸). در جرم‌شناسی نیز نقش مشاوران، درمانگران و نهادهای داوری در ایجاد گفت‌وگوی سالم میان اعضای خانواده پررنگ بوده و دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۶-۴- تأکید بر پیشگیری به جای درمان

فقه و جرم‌شناسی هر دو تأکید ویژه‌ای بر پیشگیری داشته و معتقد هستند که برخورد عاطفی بین اعضای خانواده و درک متقابل طرفین نقش قابل توجهی در کاهش تنش‌های خانوادگی دارد و صرفاً در رویکردهای پیشنهادی آنان تفاوت وجود دارد، به طوری که فقه عمل به آموزه‌های دینی و آیات و روایات را محور آموزه‌های خود قرار می‌دهد و جرم‌شناسی بیشتر با رویکرد تجربی با این پدیده برخورد کرده و عمل به توصیه‌های روانشناسی و یافته‌های تجربی جامعه‌شناسان، روانشناسان و حقوقدانان را جهت پیشگیری از تنش‌های خانوادگی و برخوردهای خشونت‌آمیز بین اعضای خانواده مورد توجه قرار می‌دهد.

برآمد

این پژوهش نشان می‌دهد که فقه اسلامی و جرم‌شناسی، علی‌رغم تفاوت در رویکردها و روش‌ها، در هدف نهایی که همانا پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی است، اشتراک نظر دارند. تلفیق آموزه‌های فقهی با یافته‌های علمی جرم‌شناسی می‌تواند به ارائه راهکارهای جامع و کارآمدتری در این زمینه منجر شود. با این حال فقه اسلامی و جرم‌شناسی در برخورد با خشونت خانوادگی هرکدام نقاط قوت و نقاط ضعفی دارند که تلفیق آموزه‌های آنها با یکدیگر باعث هم‌پوشانی نقاط ضعف این دو رشته خواهد شد.

یکی از نقاط قوت رویکرد فقهی در برخورد با خشونت خانگی، تأکید بر حفظ کرامت انسانی و توجه به آیات و روایات دینی است. فقه اسلامی به‌ویژه در ابعاد حقوقی و اخلاقی، قواعدی را برای حمایت از خانواده و جلوگیری از خشونت وضع کرده است. این قواعد ضمن تأکید بر بازدارندگی، توجه به حقوق فردی و اجتماعی اعضای خانواده را مدنظر قرار دارد (مطهری، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، یکی از ضعف‌های رویکرد فقهی ممکن است در زمینه تطبیق برخی احکام با شرایط روز و نیازهای روانی باشد. فقه به‌ویژه در برخی مسائل اجتماعی ممکن است انعطاف‌پذیری کافی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های جدید نداشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷).

رویکرد جرم‌شناسی به خشونت خانگی بر مشاهدات تجربی و داده علمی استوار است. این رویکرد به‌ویژه در بررسی عواملی که موجب خشونت می‌شود و تأثیر روانی آن بر قربانیان، قابلیت‌های زیادی دارد. درمان‌های جرم‌شناختی که منبعث از مباحث روانشناسی و یافته‌های علمی هستند؛ می‌توانند در شناسایی و تغییر رفتارهای خشونت‌آمیز به‌طور مؤثری عمل کنند (ملایری و سایرین، ۱۴۰۳: ۲۹۶).

علی‌رغم نقاط قوت جرم‌شناسی در برخورد با خشونت خانگی، یکی از ضعف‌های رویکرد جرم‌شناختی در برخورد با خشونت خانگی که منبعث از علوم تجربی است، محدودیت در تأثیرگذاری اجتماعی و قانونی است. جرم‌شناسی به‌تنهایی نمی‌تواند مسئله خشونت خانگی را در سطح جامعه حل کند، چراکه ابزارهای آن معمولاً در چهارچوب روابط فردی و درمانی محدود می‌ماند و نیاز به حمایت‌های اجتماعی و قانونی دارد (همان، ۲۹۷)؛ و در صورت عدم هماهنگی و عدم حمایت نهادهای حاکمیتی اعم از نهاد قانون‌گذاری و نهاد اجرایی، نمی‌تواند مؤثر در مقام باشد و یافته‌های آنان صرفاً در حد توصیه باقی می‌ماند.

با این حال جهت بهبود روابط خانوادگی و جلوگیری از خشونت خانگی و پیشرفت ملموس در این حوزه پیشنهاد می‌شود موارد ذیل مورد توجه ویژه قرار گیرد:

۱. تقویت آموزش‌های پیش از ازدواج با تأکید بر آموزه‌های دینی و مهارت‌های زندگی؛

۲. ایجاد مراکز مشاوره خانواده با رویکرد تلفیقی فقهی-جرم‌شناختی؛

۳. تدوین قوانین حمایتی با در نظر گرفتن هر دو دیدگاه؛

۴. گسترش پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در این حوزه.

فهرست منابع

- ۱- اعزازی، شهلا، «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۸۳
- ۲- امیری، سحر، «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان»، نشریه پژوهش‌های حقوقی قانون یار، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۹۷
- ۳- آرین، علی؛ میرسعید قاضی، علی، کار پایه عمل و اعلامیه پکن، تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵
- ۴- بارکلی، جرج، روان‌شناسی خانواده، ترجمه علی موسوی، تهران: نشر رشد، ۱۳۹۵
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶
- ۶- جوان‌مرد، بهروز، «خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه دیده»، نشریه قضاوت، شماره ۹۶، ۱۳۹۰
- ۷- خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۰۰
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۹- ره‌کشایی، حمیده، «نقش مداخله دولت‌ها در خشونت خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر»، نشریه پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۴، ۱۳۹۵
- ۱۰- شهیدی، مهدی، فقه و حقوق خانواده، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۳
- ۱۱- طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸
- ۱۲- قادری، زهره، شیوه‌های حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۴۰۰
- ۱۳- کریمی، یوسف، مبانی روانشناسی، تهران: سمت، ۱۳۹۶

- ۱۴- کلینی (شیخ ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق ورامینی رازی)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق
- ۱۵- کلینی، م، **الکافی**، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵
- ۱۶- کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، ۱۳۷۸
- ۱۷- مطهری، مرتضی، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵
- ۱۸- مظفری، حمید، **حقوق خانواده در ایران**، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳
- ۱۹- ملایری، محمدرضا؛ جعفری، محسن؛ خانوردیلو، مریم؛ خزایی، امیر، **بررسی تطبیقی حکم فقهی و روانشناسی در برخورد با خشونت خانگی**، نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۸۱، پاییز ۱۴۰۳
- ۲۰- مهدوی، محمود، سینا رستمی، هادی کربلایی و مینا دیبامهر، «پیشگیری از بزه دیدگی زنان قربانی خشونت در خانواده با بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران»، نشریه رهیافت پیشگیری، شماره ۲، ۱۳۹۶
- ۲۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمدجعفر حبیب زاده و محمدعلی طاهری، «خشونت و نظام عدالت کیفری»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۱، ۱۳۸۳
- ۲۲- نجفی توانا، علی، **نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان**، تهران: انتشارات آموزش سنجش، ۱۳۸۵
- ۲۳- نجفی توانا، علی؛ جمشیدی، مریم، **بررسی جرم‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و تأثیر آن بر طلاق**، فصل‌نامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۸ شماره ۱۰۱، بهار ۱۴۰۲